جام جم
۱۴ رسانه
MEDIA
شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۲ شماره ۶۷۰۳

نگاهی به پهلوی دوم «ماجرای فجر انقلاب»

ویژه‌برنامه «ماجرای فجر انقلاب» در ۱۰ قسمت به گفت‌وگو درباره موضوعات مرتبط با تاریخ پهلوی دوم می‌پردازد.

«ماجرا» برنامه‌ای است گفت‌وگو محور با حضور کارشناسان که در مناسبت‌ها و مقاطع مهم تاریخی از شبکه چهار پخش می‌شود. ماجرا، درنگی است بر وقایع تاریخی اسلام و ایران که به مقاطع حساس و مهم در بستر تاریخ می‌پردازد و با نگاهی تازه اهمیت و تأثیرگذاری هر واقعه را واکاوی و بازنگری می‌کند. موضوعات و مهمانان این مجموعه عبارتند از: پهلوی و سازمان بهائیت با حضور حمیدرضا اسماعیلی؛ پهلوی و ماجرای ساواک با حضور ابراهیم ذوالفقاری؛ پهلوی و پیوند با اسرائیل با حضور محمدتقی تقی‌پور؛ پهلوی و مدیریت اقتصادی با حضور محمد جعفری؛ پهلوی و مسأله زنان با حضور خانم منظر خیر حبیب‌اللهی؛ پهلوی و مسأله جوانان با حضور محمود ذکاوت؛ پهلوی و مدیریت فرهنگی با حضور سجاد صفار هرندی؛ پهلوی و انتخابات با حضور علی ططری؛ دینداری در دوره پهلوی با حضور صابر جعفری و پهلوی و مقوله وابستگی با حضور محمد جعفربگلو. ماجرای فجر انقلاب، با سردبیری و اجرای حمید سبحانی صدر روزهای یکشنبه تا چهارشنبه ساعت ۲۱ از شبکه چهار پخش می‌شود.

زاویه دید

داستان‌های شیرین و پندآموز «خیرا... و صندوقچه اسرار»

محمدمهدی زمانی‌جمشیدی
گروه رسانه

مجموعه تلویزیونی «خیرا... و صندوقچه اسرار» به کارگردانی هنری داریوش مودبیان، نویسندگی علی بهروزنسب و کارگردانی تلویزیونی حسین فردرو، ساخته ۱۳۷۲-۱۳۶۹ است؛ اثر نمایشی حکایت‌محوری که هر بار داستان متفاوتی را در مورد گذشته یک محله و اهالی آن، از زبان رفتگر قدیمی و باصفای آنجا («مش خیرا...») با بازی اکبر رحمتی) شاهد هستیم. در همین راستا، از شروع تیتراژ درمی‌یابیم که قرار است از دل گذشته یک محله و خانه‌های آن، قصه‌هایی برای ما نقل شود؛ داستان‌ها، فضاسازی‌ها، شخصیت‌پردازی‌ها، تیپ‌سازی‌ها و طراحی‌های صحنه‌ای که مطابق با روح و روان و بافت فرهنگی و اجتماعی چند دهه گذشته ما بوده و به‌خوبی توانسته در قالبی شیرین و دلنشین و البته عبرت‌آموز، قصه‌گویی از جنس ایرانی را برای بیننده روایت کند. از نظر شیرینی و طنازی شاید جالب‌ترین صحنه، مربوط به بازی خود داریوش مودبیان در نقشی کاملا فرعی باشد؛ فردی آراسته و به‌ظاهر خردمند، اما در حقیقت نیمه‌مجنون و پریشان‌احوال. هر داستان به‌جز شیرینی و دلنشینی روایت و ساختار نمایشی، غیرمستقیم حاوی اندرزهایی ظریف نیز هست. چنانچه در داستان «جامه عمل»، حد و اندازه تلاش وکوشش را الزاما در قدر و ارزش و بزرگی هدف توصیه می‌کند؛ یا در «قالیچه کاشی» معایب کم‌ارزش دانستن «آنچه نزد خود داریم» را به ذهن ما القا می‌کند. همچنین در حکایت «شتر و پنبه‌دانه» از سرنوشت «عمو رجب پنبه‌زن» (با بازی زنده‌یاد فردوس کاویانی) ناپسندی آز و طمع و دست‌درازی به مال غیر به بیننده گوشزد می‌شود و البته ریشه این گناه از آنجا بوده که عمو رجب به‌غلط از حق خود کوتاه آمده است. اما، به‌نوعی جذاب‌ترین حکایت در این مجموعه، داستان «ماشاءا... پسر شمشیر» است. در این داستان، شخصیتی به نام «آقا ماشاءا...» (با بازی علی نصیریان) فردی مدعی نوادگی نادرشاه افشار بوده که مایه مباهات و افتخارش در زندگی را یک شجره‌نامه و تبرزین می‌داند که مطابق با ادعای او، راست یا دروغ از نادرشاه به ارث برده است. در طرف مقابل، فردی به نام یوسف مجلسی (با بازی زنده‌یاد منصور والامقام) را می‌بینیم که در واقع پیشخدمت مجلس شورای ملی بوده، اما تظاهر و تفاخر به حضوری موثر و نقشی مهم در مجلس دارد و برای او نیز مایه افتخار در زندگی این موضوع است. آقا ماشاءا... به‌عنوان فردی سنتی و یوسف مجلسی به‌عنوان فردی تجددگرا در تقابل با یکدیگر، درگیر حسادت و نزاعی پوچ و بیهوده می‌شوند که برای هر دو عاقبتی جز پریشانی بیشتر احوال ندارد، زیرا تظاهر و تفاخر و خودنمایی بدون رشد اخلاق و معرفت، چه در مورد پیشینیان باشد و چه در مورد تجددگرایی، فرجامی جز تیره‌روزی نخواهد داشت و بنابراین همچون دولبه برنده یک شمشیر ویرانگر در داستان ماشاءا... پسر شمشیر روایت می‌شود.

آنتن

رخ‌نمایی دلدادگان پس از باران

با پایان مجموعه تلویزیونی «پس از باران»، سریال پرمخاطب «دلدادگان» به کارگردانی منوچهر هادی جایگزین آن می‌شود.

مجموعه تلویزیونی دلدادگان درباره فرزانه، یک دختر جاه‌طلب و پر از آرزوهای دور و دراز است که عاشق یک جوان ساده و جاهل مسلک به نام مالک می‌شود. مالک به‌طور اتفاقی با یک گروه انقلابی آشنا می‌شود و با آنها همکاری می‌کند. در همین زمان جوان دیگری به نام نادر که ظاهرا صاحب یک شیرینی‌فروشی است اما در اصل یک عنصر امنیتی و وابسته به ساواک است وارد این محل می‌شود و به فرزانه دل می‌بندد.

در این سریال بازیگرانی چون حمید گودرزی، آرش مجیدی، لیندا کیانی، مسعود رایگان، مهرانه مهین‌ترابی، شاهرخ استخری، سامان صفاری، سانیا سالاری و... به ایفای نقش پرداخته‌اند. این سریال از روز شنبه ۲۱ بهمن هر شب به‌جز پنجشنبه‌ها ساعت ۲۲ از شبکه آی‌فیلم پخش و در ساعات ۶ و ۱۴ روز بعد نیز بازپخش می‌شود.

خاطره بازی «جام‌جم» با سریال‌های انقلابی که روی آنتن رفتند

میعاد در سپیده‌دم پیروزی

زینب علیپور طهرانی
گروه رسانه

دهه فجر در کنار این‌که سالروز بزرگ‌ترین رویداد تاریخی و سیاسی ایران محسوب می‌شود، برای سریال‌بازها و طرفداران هنر و مخاطبان سریال‌های قدیمی فرصت خوبی است تا به تماشای فیلم‌ها و سریال‌هایی بنشینند که با آنها خاطره دارند. مجموعه‌هایی که در طول این چهار دهه بارها در این ایام از شبکه‌های مختلف سیما پخش شده و همچنان طرفداران خود را دارند.

همان سریال‌هایی که برای دیدن‌شان در دوران کودکی لحظه‌شماری می‌کردیم و با آغاز ماه بهمن و نزدیک شدن به دهه فجر برنامه‌ریزی می‌کردیم تا بتوانیم به تماشای‌شان بنشینیم. در آستانه ۲۲ بهمن و سالروز پیروزی انقلاب هستیم و به همین دلیل می‌خواهیم با مرور تعدادی از این سریال‌ها خاطره‌بازی کنیم. سریال‌هایی که تماشای هر کدام‌شان برای ما پر از خاطرات دوست‌داشتنی و شیرین است.

دستگیری زوج کلاهبردار

«شاه‌دزد» را می‌توان یکی از نخستین سریال‌هایی دانست که با مضمون انقلاب و دهه فجر ساخته و روی آنتن رفت. این مینی سریال ۹ قسمتی به نویسندگی و کارگردانی زنده‌یاد احمد نجیب‌زاده در بهمن ۱۳۵۹ از شبکه یک پخش شد و داستان زن و شوهر سودجویی بود که با گول زدن عده‌ای از رجال رژیم گذشته پولدار می‌شوند اما هنگامی که قصد فرار و خروج از کشور را دارند، دستگیر گردند.

در این سریال بازیگرانی حضور داشتند که تعدادی از آنها امروز در بین ما نیستند، ولی با این سریال و آثار دیگر خاطره‌سازی کرده‌اند. ازجمله: زنده‌یادان کیومرث ملک‌مطیعی، مهین شهابی، نعمت‌ا... گرجی، سروش خلیلی، محمد مطیع و منوچهر حامدی.

یکی از نکات جالب این سریال رواج برخی تکیه‌کلام‌هایی بود که بازیگران به کار می‌بردند. مثل: تصدقت و چی شد گرفتن‌مون؟ این سریال به دلیل این‌که با اقبال مخاطبان روبه‌رو شد بازپخش آن بارها از شبکه‌های مختلفی در دهه فجر روی آنتن رفت.

ماجرای پست معاونت

موفقیت سریال «شاه‌دزد» باعث شد تا زنده‌یاد احمد نجیب‌زاده در سال ۱۳۶۱ سریال دیگری برای دهه فجر به نام «اشک تمساح» بسازد که از شبکه یک پخش شد.

داستان سریال از این قرار بود که مردی به نام محمدعلی شاه‌دوست که پیش از انقلاب، مدیرکل حسابداری وزارت دربار شاه بوده از طرف اداره محل کارش، برای ادای برخی توضیحات احضار می‌شود. فرد احضارکننده که «فضایلی» نام دارد پیش از این، خود را با چند سخنرانی و مصاحبه مطبوعاتی، چهره‌ای انقلابی معرفی کرده و توانسته به سرپرستی این سازمان دولتی منصوب شود.

محمدعلی شاهدوست، به‌شدت از این احضار نگران اما سرانجام تصمیم می‌گیرد از مخفیگاه خود خارج شده و به اداره مزبور برود و در آنجاست که متوجه می‌شود «پست معاونت» به او داده شده است. این موضوع ماجراهایی را درپی داشت که موقعیت‌های کمدی هم در داستان ایجاد می‌کرد.

در این سریال نیز بازیگرانی ایفای نقش کردند که برخی از آنها در قید حیات نیستند. از جمله محمدعلی ورشوچی، توران مهرزاد، ولی شیراندامی، جمشید لایق و روح‌انگیز مهتدی. این سریال که در ۱۲ قسمت ساخته شده بود، هنگام پخش موردتوجه واقع شد و در رده سریال‌های پرمخاطب دهه فجر قرار گرفت.

پخش اعلامیه در قهوه‌خانه

سریال «خبرنامه» را به خاطر دارید؟ همان سریالی که داستان دو برادر به نام‌های «یدا...» و «اسماعیل» را روایت می‌کرد که در قهوه‌خانه بینِ راهی پدرشان در حاشیه جاده قم-اراک در روستای راهجرد کار می‌کردند و در جریان پیروزی انقلاب اسلامی قصد داشتند با فعالیت سیاسی، مردم روستای خود را با پخش اعلامیه از اخبار روز مطلع کنند. اعلامیه‌ای که آنها بین مردم پخش می‌کردند «خبرنامه» نام داشت. خبرنامه محصول سال ۱۳۶۶ به کارگردانی منصور تهرانی و نویسندگی و تهیه‌کنندگی زنده‌یاد محمد کیانی است. این سریال قدیمی و خاطره‌ساز پای ثابت دهه فجر در سال‌های بسیاری بود که البته برای اولین‌بار در قالب برنامه کودک شبکه دو پخش شد. این مجموعه ۱۰ قسمتی یکی از آثار پرمخاطبی بود که نوجوان‌ها دوست داشتند و داستانش را دنبال می‌کردند.

در این سریال نقش یدا... را مجید نوروزی ایفا می‌کرد. او درباره تولید سریال گفته بود: این سریال را اما با سختی فراوان در جاده قم-اراک و حوالی روستای راهجرد یا راهگرد ساختیم. ما حدود ۵۰ روز در سرمای سخت و سوزناک اراک کار کردیم که سریالی انقلابی با فضایی مفرح برای مخاطبان‌مان تدارک ببینیم. من همواره به یاد تهیه‌کننده مرحوم این سریال محمد کیانی و سایر سازندگان سریال هستم.

زنده‌یاد اکبر دودکار، رحمان مقدم، روح‌انگیز مهتدی، عنایت بخشی و مجید نوروزی در این سریال حضور داشتند.

یک شباهت در دسرساز

دهه ۶۰ پر از سریال‌هایی است که به‌منظور پخش در دهه فجر تولید می‌شدند. یکی از آن سریال‌ها مربوط به «طبل تو خالی» است. این سریال را نیز زنده‌یاد احمد نجیب‌زاده ساخت که در دهه فجر ۱۳۶۲ از شبکه یک پخش شد.

ماجرا از این قرار بود که در توطئه‌ای به‌منظور براندازی نظام جمهوری اسلامی، یکی از عوامل رژیم گذشته به کمک شخصی که شباهت ظاهری زیادی به محمدرضا پهلوی دارد، مرگ شاه را تکذیب کرده و شایعه بازگشت او را پخش می‌کند. عوامل بیگانه نیز به کمک او می‌شتابند اما دست‌اندرکاران توطئه، یکدیگر را نیز به بازی می‌گیرند تا آن‌که سرانجام رازشان فاش و همگی دستگیر می‌شوند.

در این سریال بازیگرانی چون زنده‌یادان ناصر گیتی‌جاه، کیومرث ملک‌مطیعی، رضا کرم‌رضایی، حسین پناهی و فرهاد خانمحمدی ایفای نقش کردند. این سریال در ۱۵ قسمت طراحی شده بود و لوکیشن اصلی آن در خانه‌های مصادره شده رضایی‌ها در فرمانیه بود.

رسول نجفیان که در آن سریال به‌عنوان دستیار کارگردان حضور داشت در این‌باره گفت: کمتر از یک ماه فیلمبرداری کار تمام شد. شب و روز کار می‌کردیم و درست در زمان بمباران تهران کار ساخته شد و زمانی که این اتفاق می‌افتاد، گاهی به‌دلیل بمباران‌ها برق‌ها قطع می‌شد و کار را عقب می‌انداخت و این وضعیت را بدتر می‌کرد. گاهی گروه مجبور بود از ۶ صبح روز قبل تا چهار صبح روز بعد مشغول باشد. کار، لوکیشن‌های زیادی داشت و ما فقط زمانی که می‌خواستیم لوکیشن‌ها را تغییر دهیم چند ساعتی را تعطیل می‌کردیم. خود من در طول شبانه‌روز شاید ۴ ساعت می‌خوابیدم. هر زمان که بمباران می‌شد همگی به زیرزمین خانه می‌رفتیم و بعد از آژیر سفید دوباره کار را آغاز می‌کردیم.

عاشقانه‌های مرد دوچرخه‌سوار

وقتی صحبت از سریال «رعنا» می‌شود، ناخودآگاه تصویر مرد دوچرخه‌سواری در پس ذهن‌مان می‌آید که مربوط به سعید نیکپور، یکی از بازیگران این سریال بود.

سال ۱۳۶۹ بود که داوود میرباقری این سریال را برای شبکه یک و با مضمون انقلاب ساخت.

داستان این سریال مربوط به رعنا، دختر مردی است به نام سنایی بود که از صابون‌پزهای قدیمی تهران و پس از چندی دانایی که دبیر آموزش و پرورش است به خواستگاری رعنا آمده و با وجود مخالفت‌های منصور (برادر رعنا) با او ازدواج می‌کند اما پس از گذشت مدتی دانایی به خاطر شرکت در فعالیت‌های سیاسی دستگیر و روانه زندان شده و کشته می‌شود.

پس از سال‌ها پسر رعنا که به‌شدت در حال مبارزه با رژیم پهلوی در سال ۱۳۵۷ است، در یک درگیری خیابانی مفقود می‌شود. رعنا و دخترش به‌دنبال یافتن او هستند که ماجراهایی از گذشته دوباره زنده می‌شود. جالب است بدانید رسول نجفیان در گفت‌وگویی بیان کرد، ایده اصلی این سریال از خاطراتی است که او برای میرباقری تعریف کرده است. به همین دلیل هم نام پرویز پرستویی در این سریال رسول نجفی است که اشاره‌ای به نام او دارد. سریال رعنا در دوران خود بدیع بود. این سریال در برابر کلیشه‌هایی که آن زمان خیلی رایج بود، ایستاد.

پرداخت محتوای قصه بسیار خوب بود. شخصیت‌پردازی‌ها و ارتباط‌های دراماتیک، عالی از کار درآمد و در شیوه اجرا هم کار نویی ارائه شد. با توجه به این ویژگی‌هاست که بعد از سال‌ها هنوز هم این سریال بیننده دارد و زنده است. گلچهره سجادیه، رویا تیموریان، پرویز پرستویی، فاطمه گودرزی و سعید نیکپور از بازیگران این سریال هستند.

یک ماموریت ویژه

یکی از مجموعه‌های خاطره‌انگیزی که در دهه ۷۰ ساخته و روی آنتن رفت و مورد توجه هم قرارگرفت، «میعاد در سپیده دم» بود که سعید سلطانی در سال ۱۳۷۷ ساخت و از شبکه سه پخش شد و سال‌ها بعد از شبکه آی‌فیلم روی آنتن رفت و باز هم مورد توجه قرارگرفت.

داستان این مجموعه در سال ۵۷ و در زمان شکل‌گیری انقلاب اتفاق می‌افتد.

حامد، مبارز مسلمان ایرانی جهت انجام ماموریتی ویژه به ایران می‌آید و همزمان با او الیاس، یک مامور مخفی اسرائیلی نیز وارد ایران می‌شود و درگیری میان این دو و نیز اتفاقات دیگر، قصه مجموعه تلویزیونی را تشکیل می‌دهند. مجید مظفری، محمود عزیزی، زنده‌یاد جمشید اسماعیل‌خانی، گوهر خیر اندیش، جمشید جهانزاده و شهره سلطانی از بازیگران این سریال بودند.

روایت طنزآمیز از فرار

«فرار بزرگ» را می‌توان یکی از موفق‌ترین سریال‌های محمدحسین لطیفی در قالب کمدی دانست که در سال ۱۳۸۳ به قلم سیامک صفری ساخته و از شبکه یک پخش شد.

این سریال روایتی طنزآمیز از سال‌های پایانی حکومت محمدرضا پهلوی است. روایتگر شکنجه و سرکوب معترضان توسط ساواک و وقایعی که به مرور باعث فرار شاه و اطرافیانش به مصر شدند.

زنده‌یاد سیامک اطلسی در گفت‌وگویی عنوان کرده بود: خاطرم هست آن سریال نخستین تجربه بازیگری پوریا پورسرخ بود و نقش پسر من را بازی می‌کرد. در نخستین پلان همگی کنار سفره نشسته بودیم و می‌خواستیم غذا بخوریم و فیلمبرداری شود، اما دیدم پوریا پورسرخ غذا نمی‌خورد. دلیلش را پرسیدم و گفت که می‌خواهم شما اول اجازه بدهید. چون اولین پلان بود و من هم بزرگ‌تر بودم، خواست از من اجازه بگیرد. سعید امیرسلیمانی، زنده‌یاد انوشیروان ارجمند، پرستو گلستانی، پوریا پورسرخ و زنده‌یاد رضا سعیدی از بازیگران این مجموعه بودند.

آخرین سکانس این سریال و درست فینال آن صبح روزی است که امام خمینی(ره) وارد تهران می‌شود و خانواده فاطمه در تدارک برای رفتن به فرودگاه و استقبال از بنیان‌گذار انقلاب اسلامی هستند.

برش

مستانه در جریان انقلاب

سال ۱۳۸۵ بود که محمدعلی باشه آهنگر و مجید جوانمرد سریالی با عنوان «تا صبح» برای شبکه ۵ ساختند.

این مجموعه در ۲۹ قسمت تهیه شد و روایتی عاطفی با زمینه سیاسی از زندگی فردی و اجتماعی درهم‌تنیده چند جوان از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۵ شمسی در بستر جریانات تاریخ معاصر ایران را به تصویر می‌کشید.

مجید مظفری، محمد کاسبی، زنده یاد عسل بدیعی، امین زندگانی و ستاره اسکندری از بازیگران این سریال بودند.

رامتین خداپناهی یکی از بازیگران این سریال بود که در گفت‌وگویی عنوان کرد: از آنجا که من کاراکتر حرص‌درآوری در این سریال بودم، حرص خانم بدیعی را هم درمی‌آوردم.

آقای جوانمرد به او اجازه داد که در برخی صحنه‌ها پرخاش کند که یکباره در یکی از پلان‌ها ناخودآگاه یک سیلی به من زد و من زمانی که از او پرسیدم چرا زدی؟! گفت که خیلی حرص من را درآوردی!